

مقدمه :

جنگ واقعه ایست که جهان معاصر، خاطرات ناخوش بسیاری را با آن تجربه کرده است و خاطر بسیاری از دولت ها ، جوامع و افراد باچنین وقایعی آزرده گشته است. امروزه حتی با وجود تصویب جهانی کنواسیون های ژنو ۱۹۴۹ همچنان شاهد درگیری های مسلحانه ای هستیم که بر تمامی قاره ها سایه افکنده است.

جنگ با مبنای مشروع یا نامشروع ماحصل تمدن بشریت را در دامن خود خواهد سوزاند و گنجینه های فرهنگی، تاریخی و ملی آنها را نابود خواهد کرد. از این رو دغدغه ی تحقیق حاضر این نیست که علت برپایی جنگ ها چیست و یا چگونه می توان آن را مهار کرد، بلکه به این می پردازیم با پیش آمد چنین حوادثی چگونه باید رفتار کرد؟ و چگونه می توان آثار و عواقب ناشی از آن را کاهش داد؟

به این ترتیب، این اندیشه که حتی جنگ ها نیز باید تابع محدودیت باشند پای گرفت، تاجایی که در قرن اخیر چگونگی رفتار طرف های مخاصمه و هدایت عملیات جنگی از دغدغه های اصلی حقوق جنگ شده است و به سرعت حجم وسیعی از اعلامیه ها، معاهدات و اسناد بین المللی شکل گرفته است که به این موضوع می پردازند، به طوری که اکنون به سختی می توان از خلاء حقوقی در این حوزه سخن راند.

متأسفانه جامعه ی بین المللی به این نقطه رسیده است که تحریم جنگ - لاقلاً در سالیان پیش رو - موفقیتی نخواهد داشت، از این رو بر آن شد، با جنگ به عنوان یک واقعیت دنیای کنونی کنار آمده و تلاش خود را معطوف کاهش آلام و مصائب ناشی از آن سازد.

در این راستا بخش مهمی از حقوق مناصمات مسلحانه، به محدودیت کاربرد روش ها و ابزار جنگ اختصاص یافته است. این شاخه از حقوق جنگ که به آن حقوق بین المللی بشردوستانه می گوئیم، افراد و اموال را در جنگ ها مورد حمایت قرار می دهد و مانع استفاده ی آزادانه از سلاح ها و شیوه های جنگ می گردد. یکی از این محدودیت های ریشه دار و عمیق حقوق بشردوستانه ممنوعیت خیانت جنگی است که قبل از حقوق، اخلاقیات و وجدان بشری آن را مذموم شمرده است، به طوری که هیچ گاه و در هیچ نظامی واژه خائن یا خیانت کار بار معنایی مثبت نداشته است.

ازسوی دیگر جنگ تنها کنارهم قراردادن قوای نظامی و تسلیحات نیست، بلکه رویارویی زیرکی، دقت، مهارت و تدابیر طرفین متخاصم است که ممکن است در لباس حيله و فریب جنگی نمایان گردد. حيله و حربه در مفهوم جنگ نهفته است و به همین دلیل هیچ‌گاه بحث ممنوعیت حيله در مخاصمات مسلحانه مطرح نگشته است و حتی اسناد بشر دوستانه صراحتاً جواز آن را صادر کرده‌اند. در نتیجه ما با دو شیوه‌ی به ظاهر نزدیک به هم مواجهیم که عمیقاً از هم متفاوت هستند، یکی مجاز و مشروع و دیگری ممنوع و نامشروع می‌باشد. بنابراین اکنون نیازمند ترسیم مرز میان حيله و خیانت هستیم: در اقدام به حيله‌ی مشروع تا کجا پیش رویم که از خطوط قرمز خیانت رد نشویم؟ درک این تفاوت گاه پیچیدگی‌هایی را به همراه داشته است. پاسخ به این سؤال مستلزم درک دقیق مفهوم خیانت و دامنه‌ی محدودیت آن است. بدون ارائه تعریف خیانت جنگی و معرفی عناصر آن تشخیص مرز عمل مشروع و نامشروع دشوار است. آنچه در اساس این دو مفهوم را از هم متمایز می‌سازد چیست؟ آیا تمامی حيله‌های جنگی مجاز هستند؟ تفاوت بین حيله‌ی مجاز و غیر مجاز در چیست؟ آیا حقوق بین‌الملل هر نوع اقدام خائنانه‌ای را ممنوع کرده، آثار و ضمانت اجرایی یکسانی در مقابل آن‌ها اندیشیده است؟ آنچه که در پی می‌آید، پژوهشی است که سعی آن یافتن پاسخی برای سؤالاتی از این دست بوده است.

خیانت اساساً واژه‌ای دور از شرافت و اصول انسانیت است که می‌تواند در مفهومی موسع، بسیاری از اعمال و اقدامات غیر انسانی را در نظام‌های مختلف حقوقی و اجتماعی تحت شمول خود قرار دهد.

خیانت در امانت، خیانت به وطن، خیانت به دوست و خیانت به دشمن در یک نقطه تلاقی می‌یابند و آن "عصر سوء استفاده از اعتماد" است. همین عنصر موجب شده است خیانت در هر سیاقی که بکار رود، بوی پلیدی و ننگ با خود داشته باشد. قبح خیانت جنگی نیز از این قاعده پیروی می‌کند.

اجرای تعهدات و ایفای حقوق در هر سطحی نیازمند حسن نیت است و این نیاز در سطح بین‌المللی بیشتر احساس می‌گردد. در واقع مفهوم اصل وفای به عهد با مفهوم حسن نیت عجین و تفکیک ناپذیر است، از این رو نقض این اصل چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ در روابط بین‌المللی تبعاتی منفی به دنبال خواهد داشت، اما شرایط ویژه‌ی جنگ این تبعات را وخیم‌تر و زیان‌بارتر می‌سازد. به

این مناسبت همواره اعمالی که مستلزم نقض حسن نیت و سوءاستفاده از اعتماد ناشی از روابط غیر
مخاصمه‌ای طرف‌های متخاصم باشد ممنوع بوده است.

جنگ در ذات خود صحنه‌ی بی‌رحمی مشروع است، به گفته‌ی ناپلئون "سربازان به دنیا می‌آیند که
کشته شوند"، از این رو پابندی به اصول فتوت و شرافت، تنها تا حدی این شقاوت در کشتار برادر
را کنترل کرده و به اجساد آن نوع خاصی از افتخار و غرور می‌بخشد تا در پس این اعتبار به جنایات
آدمی لباس تقدس پوشیده و خسارات ناشی از آن را که خواه ناخواه بر روند تکامل تمدن وارد می-
گردد تقلیل نماید.

با وجود این رعایت دقیق هر قاعده، مستلزم شناخت دقیقی از آن است. قاعده‌ی ممنوعیت خیانت در
حقوق نوشته به جنگ‌های داخلی آمریکا در اواخر قرن نوزدهم و تدوین دستورالعمل‌های حاکم بر
آن باز می‌گردد، که درج این ممنوعیت در مقررات لاهه هر چند حاکی از اهمیت آن می‌باشد،
امانتوانسته پاسخ روشنی برای سؤال‌های فوق‌الذکر ارائه دهد. بنابراین، این قاعده در عین قطعیت
همواره با ابهاماتی مواجه بوده است که تدوین پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹
گام مؤثری در رفع آن برداشته است.

این نوشتار مجموعه‌ای از بینش‌های حقوقی در این زمینه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، که
امید است سهم کوچکی در تقویت ادبیات حقوقی خیانت جنگی و تدقیق حقوق بشر دوستانه داشته
باشد.

طرح تحقیق

(۱) بیان مسئله:

بخش مهمی از مباحث حقوق بشر دوستانه به نظام‌بندی ابزار و روش‌های جنگ پرداخته است. اصل مهم حاکم بر مسئله آنست که طرفین مخاصمه در انتخاب شیوه‌های نبرد آزاد نیستند و نمی‌توان به منظور شکست دشمن و یا کسب مزیت نظامی به هر طریقی متوسل شد. در عبارتی ساده، خشونت نیز تابع محدودیت است و صرف شروع جنگ بین متخاصمان هر رفتاری را از سوی آنها توجیه نمی‌نماید.

یکی از اصول کلاسیک حقوق بشر دوستانه که از ابتدای مدون‌سازی آن، مد نظر تهیه‌کنندگان قرار گرفته است قاعده‌ی منع خیانت در جنگ است، اما در کنار آن مطالعه‌ی تاریخی درگیری‌های مسلحانه نشان می‌دهد، حيله و فریب هیچگاه در جنگ‌ها ممنوع نبوده است، و اقداماتی نظیر شبیخون، استتار، تظاهر به حمله، تظاهر به آرامش و عدم تحرک نظامی و انتشار اطلاعات کذب جهت تضعیف روحیه‌ی دشمن یا گمراه کردن او، سابقه‌ای دراز دارد.

ممنوعیت خیانت و مشروعیت حيله نیازمند تفکیک میان این دو تاکتیک جنگی است که در مقررات لاهه در فضای خاکستری قرار داشته، اما ماده‌ی ۳۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو سعی کرده، با ارائه‌ی تعاریفی از این مفاهیم و همچنین مثال‌های روشن و قابل درک این ابهام را برطرف نماید.

تظاهر به عدم قابلیت نبرد، تظاهر به وضعیت غیر نظامی و تظاهر به قصد مذاکره طبق این ماده در تعریف خیانت می‌گنجد. لحن ماده‌ی ۳۷ در ارائه‌ی مصادیق حيله و خیانت تمثیلی بوده و قصد محدود کردن آن را به موارد برشمرده نداشته است.

از اینرو جهت تشخیص مرز این دو مفهوم و تعیین دامنه‌ی دقیق ممنوعیت خیانت، بررسی عناصر دقیق آن لازم می‌نماید که مباحثی از تحقیق حاضر به آن پرداخته است. همچنین علل ممنوعیت خیانت جنگی و تبعات سوء چنین اقداماتی در میدان مخاصمه مد نظر محقق قرار گرفته است.

در این تحقیق علاوه بر بررسی دقیق مفاهیم حيله و خیانت در جنگ، مطالعه‌ی موارد مناقشه‌زا و وضعیت خاص جنگ دریایی، مبانی ممنوعیت خیانت جنگی در حقوق مخاصمات مسلحانه پرداخته و آثار حقوقی چنین اقداماتی را مطالعه می‌کنیم.

هرچند در کل مفهوم ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل با چالش مواجه است، اما حقوق بشر دوستانه از شاخه‌هایی است که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، تضمینات مؤثری برای آن مقرر شده است. از اینرو مسئولیت فردی و دولتی ناشی از خیانت جنگی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

۲) هدف تحقیق:

الف- در این تحقیق برآنیم تعریف دقیقی از حيله و خیانت جنگی ارائه داده، عناصر هر یک را بررسی، مصادیقی از هر یک را تشریح و مرز بین آنها را تفکیک نمائیم.

ب- علل و مبانی ممنوعیت خیانت جنگی را مورد بحث قرار داده و تاثیر چنین اقداماتی را بر تضعیف حقوق بشر دوستانه مطالعه نمائیم.

ج- ضمانت اجرای ممنوعیت اقدام به خیانت جنگی را در حقوق بشر دوستانه بررسی کرده، مسئولیت فردی مرتکبان و مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از بکارگیری تاکتیک‌های خائنانه را شرح دهیم.

۳) ضرورت تحقیق:

توسل به حيله و خیانت در جنگ سابقه‌ای به درازای تاریخ دارد، اما همواره فاصله‌ی اقدامات مشروع و نامشروع در هاله‌ای از ابهام قرار داشته است. با تکیه بر نتایج این تحقیق، می‌توان این مسئله‌ی قدیمی و مورد بحث در حقوق بین‌الملل که با توسعه‌ی تکنولوژی جنگ، مصادیق نوینی یافته است را رفع ابهام نمود.

این تحقیق برآنست به طور منسجم، جامع و مانع به موضوع پرداخته و زوایا و مصادیق آنرا تشریح نماید که امید است در ارتقاء حقوق بشر دوستانه در صحنه‌ی مخاصمات گامی مؤثر باشد.

از آنجا که تاکنون، هیچ تألیف و تحقیقی در زبان فارسی به موضوع اختصاص نیافته، ضرورت این کار احساس شده است. از طرفی توجه به این نکته که ممنوعیت خیانت، ریشه‌ای عمیق در فرهنگ اسلامی دارد به لزوم درک دقیق قاعده اهمیتی بیش از پیش می‌دهد.

با مذاقه در آیات قرآن کریم و احادیث و سیره‌ی نبوی، ریشه‌های ممنوعیت خیانت در حقوق اسلامی آشکار می‌گردد که اجرایی کردن آن توسط رزمندگان مسلمان، ابتدا نیازمند شناخت و آموزش آنست.

۴) سوالات تحقیق:

سؤال اصلی: از نظر حقوقی چه تمایزی میان خیانت و حیل‌های جنگی وجود دارد؟

سؤال فرعی: آیا حقوق بشر دوستانه ضمانت اجرایی برای ممنوعیت خیانت جنگی پیش بینی کرده است؟

۵) فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ی اصلی: خیانت جنگی بر مبنای سوء استفاده از حمایت‌های حقوق بشر دوستانه استوار است و بنابراین نامشروع است، اما حیل‌های جنگی این عنصر را نداشته و به شرط عدم مغایرت با قواعد بشر دوستانه مجاز است.

فرضیه‌ی فرعی: اقدام به خیانت ممنوعه‌ی جنگی نقض فاحش حقوق بشر دوستانه و جنایت جنگی تلقی شده، مسئولیت کیفری فرد مرتکب و مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی را به دنبال دارد.

۶) تعریف متغیرها و مفاهیم:

الف- مخاصمه‌ی مسلحانه: تعریف دقیقی از این اصطلاح همواره محل مناقشه بوده است، به طور خلاصه می‌توان گفت مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی بین‌المللی هنگامی رخ می‌دهد که عناصر نیروهای مسلح یک دولت علیه دولت دیگر درگیر عملیات نظامی شوند حتی اگر رسماً اعلام وضعیت جنگی نشده

باشد، اگر یک طرف مخاصمه به جای دولت گروه غیر دولتی باشد، مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین-المللی جریان خواهد یافت.

ب- حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه: حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه که ما بطور خلاصه از آن تحت عنوان حقوق مخاصمات مسلحانه یاد می‌کنیم، بخشی از قواعد حقوق بین‌الملل است که بر روابط خصمانه میان اعضای جامعه‌ی بین‌المللی حاکم بوده و شامل دو بخش "حق بر جنگ" و "حق در جنگ" می‌باشد.

ج- حقوق بین‌الملل بشر دوستانه: حقوق بین‌الملل بشر دوستانه که ما بطور خلاصه حقوق بشر دوستانه می‌گوییم، بخشی از حقوق مخاصمات مسلحانه است که اولاً حق طرفین را در استفاده از روش‌ها و ابزار جنگ محدود می‌کند و ثانیاً اشخاص و اموال را در خصوص آثار ناشی از مخاصمه مورد حمایت قرار می‌دهد. این شاخه از حقوق مبین "حق در جنگ" یا حقوق حاکم در جنگ می‌باشد.

د- خیانت جنگی: عملی است که به قصد سوء استفاده، اعتماد دشمن را بر می‌انگیزد و این باور را در او ایجاد می‌کند که تحت حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمه‌ی مسلحانه، مستحق حمایت یا متعهد به اعطای حمایت است.

ه - حيله‌ی جنگی: عملی است که به قصد گمراه کردن دشمن و اغوای او در ارتکاب اقدامات دور از احتیاط انجام می‌شود. این اعمال اگر خائنه نبوده و قواعد حقوق بین‌الملل را نقض نکنند مجاز می‌باشند.

۷) مشکلات تحقیق:

در چنین تحقیقاتی که شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و روش توصیفی- علی مورد استفاده‌ی محقق قرار می‌گیرد، عدم تجهیز کتابخانه‌ها به نشریات و مقالات تخصصی به روز، از محدودیت‌های موجود است.

۸) ادبیات تحقیق:

از محدودیت‌های مهم این تحقیق کمبود منابع فارسی و لاتین بوده است، چرا که هرچند مسئله‌ی حيله و خیانت در جنگ از مباحث دیرپای حقوق بین‌الملل است، اما همواره به طور محدود ذیل عناوین محدودیت روش‌های جنگ مورد مطالعه قرار گرفته است و تحقیق جامع و کاملی چه در زبان فارسی و چه لاتین زوایای مختلف موضوع را بررسی نکرده است.

مهمترین کار صورت گرفته، تحلیل صلیب سرخ از قواعد عرفی موجود است که با عنوان حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی عرفی، در دو بخش قواعد و رویه منتشر شده است، که قاعده‌ی ۵۷ تا ۶۵ آن به طور خاص به موضوع حيله و خیانت در جنگ اختصاص یافته و رویه مربوط نیز در بخش دوم کتاب آمده است.

علاوه بر اشاراتی که در دستورالعمل‌های حقوق بشر دوستانه و کتاب‌های حقوق جنگ به موضوع شده است، نظریه تفسیری (commentary) صلیب سرخ در خصوص مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹، پروتکل اول الحاقی به کنواسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ نیز شامل نکات ارزنده‌ای در این باب می‌باشد.

همچنین مقاله‌ی کوتاه زیر نیز نگاهی کلی و گذرا به موضوع افکنده است:

-J.Ashley Roach , "Ruses And Perfidy : Deception During Armed Conflict " , University of Toledo , 1992.

در کنار آنها مقالاتی نیز به طور خاص، به موضوعات علائم مورد حمایت بین‌المللی و سوءاستفاده از لباس دشمن پرداخته‌اند، که بی‌ارتباط به موضوع نمی‌باشد. مقالات ذیل از این دست هستند:

-Habib Slim " Protection of the red cross and the red crescent emblems and the repressions of misuse " , International review of the red cross , N272 , 1983.

-Toni PFanner , "Military uniforms and the law of war " vol 86 , N853 , 2004.

-JOBSTIII,Valentine , "is the wearing of the enemy's uniform a violation of the laws of war? " , AJIL , VOL 35(3) , 1941 .

موارد بر شمرده منابع اصلی تحقیق حاضر هستند.

۹) ساختار تحقیق:

جهت آشنایی با ساختار پایان‌نامه‌ی حاضر، طرح زیر که مباحث ارائه شده در این پایان‌نامه را از آغاز تا انتها ترسیم می‌نماید، فهرست‌وار ارائه می‌دهیم:

این پایان‌نامه در دو فصل ارائه می‌شود: در فصل اول ابتدا به مفهوم خیانت جنگی، سابقه‌ی تاریخی، دامنه‌ی ممنوعیت و عناصر آن پرداخته و برجستگی عنصر سوء نیت را در آن شرح می‌دهیم. سپس جهت درک عینی مفهوم، مصادیقی از آن را ارائه داده و به لحاظ اهمیت بحث مبارزه با تروریسم در سال‌های اخیر، مبحثی را به این موضوع می‌پردازیم.

در ادامه به بحث تعریف حيله جنگی، تفکیک حيله‌ی مشروع و نامشروع و تمایز آنها از خیانت جنگی وارد شده و مثال‌هایی از هر یک را بررسی می‌نمایم و به وضعیت و تبعات حقوقی جاسوسی در جنگ و ایجاد سپر انسانی و ارتباط آنها با موضوع خیانت می‌پردازیم. در بخش‌هایی نیز وضعیت خاص حاکم بر مخاصمات دریایی را مطالعه می‌کنیم.

در فصل دوم ابتدا با طرح مبحث هدایت عملیات جنگی و تحدید روش‌ها و ابزار نبرد، به لزوم روش‌های ممنوعیت خائنانه می‌پردازیم. سپس دلایل ممنوعیت خیانت جنگی و عواقب ناشی از چنین اقداماتی را در میدان مخاصمه بررسی می‌کنیم. در دو بخش پایانی فصل دوم، ضمانت اجرایی قاعده و آثار حقوقی ناشی از آن را در قالب مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض و مسئولیت کیفری فردی مرتکبان موضوع بحث قرار می‌دهیم.

فصل اول: مفهوم خیانت جنگی و تفاوت آن با حیل‌های جنگی

ممنوعیت خیانت در جنگ و مشروعیت حیل‌های جنگی ریشه‌های بسیار عمیقی در حقوق بین‌الملل دارد. در این فصل ابتدا به بررسی مفهوم و مصادیق خیانت جنگی پرداخته و سپس تفاوت آن را با حیل‌های جنگی بیان می‌کنیم و با ارائه‌ی تعریف از حیل‌های جنگی به تفکیک این دو موضوع می‌پردازیم. در بخش آخر نیز وضعیت خاص حاکم بر مخاصمات دریایی و هوایی را بررسی می‌کنیم.

بخش اول: مفهوم و مصادیق خیانت جنگی

در این بخش ضمن تعریف خیانت جنگی و بررسی عناصر آن طبق حقوق جنگ، مصادیقی از آن ارائه می‌گردد.

ایده‌ی ارائه‌ی مصداق اولین بار توسط پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ جهت سهولت درک طرح شده است. در بند آخر نیز به جهت اهمیت موضوع مبارزه با تروریسم، به آن اختصاص یافته است.

بند اول: مفهوم خیانت جنگی

خیانت جنگی قبل از پروتکل اول مفهوم گسترده‌تری داشت، اما پروتکل سعی کرد، با محدود کردن دامنه‌ی تعریف مرزهای دقیق‌تری برای آن ترسیم کند. در این بند ضمن بیان سابقه‌ی تاریخی به سیر تدوین قاعده و عناصر آن می‌پردازیم.

الف) سابقه ی تاریخی خیانت جنگی:

تاریخ جنگ مثال‌های فراوانی از کاربرد حيله و خیانت را ثبت کرده است. اما گفته می‌شود اولین خاطره‌ی تاریخی به جامانده به داستان اسب تروا^۱ بر می‌گردد.^۲

تروا شهری در آسیای صغیر بود که یونانی‌ها ۱۰ سال آن را در محاصره‌ی خود داشتند، اما نمی‌توانستند از دژهای مستحکم شهر گذشته و آن را فتح کنند. با گذر زمان قوای یونانیان به تحلیل می‌رفت، تا اینکه ادیسه فرمانده سپاه یونان، طی نقشه‌ای دستور ساخت اسب چوبی بسیار بزرگی را داد، که تمامی سربازان و سلاح‌ها در آن جای گیرد، سپس چنین وانمود کردند که از فتح شهر پشیمان شده و آنجا را ترک کردند و تنها یک اسب چوبی از خود به‌جای گذاشتند. ساکنان تروا اسب را به عنوان غنیمت درون قلعه آورده و شب هنگام که پیروزی خود را جشن گرفته بودند، سربازان یونانی از اسب خارج شده و شهر را در اختیار خود گرفتند و این داستان به "اسب تروا" مشهور شده است.^۳

داستان اسب تروا در حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه ماندگار شده است و هرگاه صحبت از حيله و خیانت در جنگ می‌شود، یادآور این حيله‌ی باستانی است.

ب) عناصر خیانت جنگی:

در نبرد با دشمن از قدیم‌الایام، بکارگیری حيله‌هایی مثل شبیخون و استتار مجاز بوده است و هر طرف جنگ، بدون اعتراض از سوی طرف دیگر به آن توسل می‌جسته است اما در مقابل اعمال خائنانه در جنگ‌ها ممنوع بوده است مفهوم لغوی خیانت نقض اعتماد و سوء نیت است.

^۱.Trojan horse.

^۲-محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق مخاصمات مسلحانه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۸۲.

^۳.<http://fa.wikipedia.org/wiki/>

سوء نیت فی نفسه در زمان صلح یا جنگ در روابط بین المللی ممنوع است، چه در سطح سیاسی که در مرحله‌ی قانون‌گذاری خود را نشان می‌دهد و چه در مرحله‌ی اجرای قواعد^۱. ریشه‌های تاریخی ممنوعیت خیانت بسیار عمیق است.

در میان اقوام و ملل مختلف، چنین اعمالی بطور کلاسیک ممنوع بوده است، اسلام از جمله مواردیست که توسل به غدیر، خیانت و ناجوانمردی را به صراحت در جنگ‌ها ممنوع کرده است.^۲

این ممنوعیت عرفی حقوق جنگ در اسناد متعددی ذکر شده است. کد لیب^۳ در ۱۸۶۳ بیان داشت: "حقوق جنگ، در مقابل اعمال خیانت آمیز و مخفیانه جهت صدمه زدن به دشمن، حتی توسل به مجازات مرگ را جایز می‌داند."^۴

کدلیبر دلیل چنین واکنش شدیدی را این می‌داند، که چنین اعمالی بسیار خطرآفرین هستند و امکان مقاومت در برابر آن کم است.^۵

مقررات لاهه^۶ نیز اعلام داشت، کشتن و یا مجروح ساختن نظامیان و غیر نظامیان دشمن به شیوه‌های خائنه ممنوع است. در مقررات لاهه واژه‌ی Treachery (ناجوانمردی) استفاده شده، این واژه به لحاظ لغوی مفهوم بسیار گسترده‌تری از Perfidy دارد که پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در ماده‌ی ۳۷، برای ممنوعیت خیانت بکار برده است.^۷

¹ Yves Sandos, Christophs Swinarski, Bruno Zimmer Mann (eds), commentary on the additional protocol of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949, Martinus Nijhoff, 1987, p 430.

^۲ محمد رضا ضیایی بیگدلی، اسلام و حقوق بین‌الملل، گنج دانش، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷
^۳ فرانسیس لیبر (۱۸۰۰-۷۲) استاد آلمانی - آمریکایی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کلمبیا، از طرف رئیس جمهور وقت آمریکا لینکلن، دستور العملی بر مبنای حقوق بین‌الملل تهیه نمود که اولین بار در سال ۱۸۶۳ به اجرا گذاشته شد و در جنگ داخلی آمریکا، برای نیروی زمینی این کشور لازم‌الاجرا بود. این دستور العمل که سرآغاز حقوق لاهه است کد لیب نامیده می‌شود.
^۴ ماده ۱۰۱.

⁵ John C. Dehn, permissible perfidy, journal of international criminal justice, 6(2008), p624-653.

^۶ کنوانسیون چهارم لاهه: در خصوص قوانین و عرف‌های جنگ زمینی، ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، ماده (b) ۲۳.
^۷ Treachery که می‌توان آن را به ناجوانمردی ترجمه کرد، مفهومی گسترده‌تر از خیانت است، زیرا می‌تواند به هر گونه عمل ناجوانمردانه مثل جایزه گذاشتن برای سر دشمن و یا برای مرده و زنده آنان و فرستادن قاتل مزدور، اشاره داشته باشد. در

ممنوعیت خیانت جنگی در پروتکل به عملی اشاره دارد که با برانگیختن اعتماد دشمن و ایجاد این تصور در او که در وضعیت حاکم بنابر حقوق بشردوستانه ملزم به اعطای حمایت یا مستحق حمایت است موجبات کشتن، ایراد آسیب جدی یا دستگیر نمودن او را فراهم نماید. بنابر این ممنوعیت خیانت در پروتکل بسیار محدود است. به عبارت دیگر پروتکل در این ماده توسل به خیانت را طی مخاصمه‌ی مسلحانه ممنوع نکرده است، بلکه صرفاً به اقدامات خائنانه‌ای پرداخته است که آسیب پرسنل دشمن را در پی داشته باشد. در این صورت اگر عمل خیانت‌آمیز، منجر به نابودی اموال یا اهداف استراتژیک نظامی گردد طوری که تلفات جانی مستقیم به دنبال نداشته باشد، در شمول ممنوعیت این ماده نمی‌گنجد.

از طرف دیگر تعریف پروتکل صریح و روشن بوده و با توجه به این تعریف مرز خیانت جنگی از دیگر روش‌های مجاز یا غیرمجاز جنگی قابل تفکیک است. به این ترتیب بدیهی است عملی مانند تعیین قیمت برای سر دشمن، یا ترور که بنابر مقررات لاهه خیانت‌آمیز تلقی می‌شوند، تحت تعریف خیانت در پروتکل اول قرار نمی‌گیرند، زیرا با تکیه بر اعتماد به اعطای حمایت‌های حقوق بشر دوستانه ارتکاب نمی‌یابند.

کشتن یا مجروح ساختن خائنانه دشمن در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ماده‌ی (b)(۲) ۸، در لیست فهرست جنگی قرار گرفته است و عناصر آن به تفصیل در مصوبه‌ی مجمع دولت‌های عضو چنین بیان شده است:

- ۱- مرتکب اعتماد طرف مقابل را برانگیزد، مبنی بر این که تحت قواعد حقوق بشر دوستانه ملزم به اعطای حمایت، یا مستحق حمایت است.
- ۲- مرتکب قصد سوء استفاده از این اعتماد را داشته باشد.
- ۳- مرتکب به طرف مقابل صدمه‌ی جدی وارد نموده و یا او را بکشد.

دستورالعمل‌های نظامی بسیاری از کشورها مثل آمریکا، استرالیا، کانادا، اسرائیل، سوئیس و یوگسلاوی، این اعمال در لیست اعمال خائنانه ممنوع شده‌اند. دستورالعمل نظامی انگلیس حتی قتل و تبعید سران دشمن را در این لیست قرار داده است. از طرفی معادل فرانسوی *treachery* و واژه *trahison* مفهوم بسیار محدودی دارد. جهت رفع این مشکلات پروتکل اول واژه *prefidy* را جایگزین *treachery* نمود.

۴- مرتکب از چنین اعتمادی برای کشتن و یا ایراد آسیب جدی به طرف مقابل استفاده کرده باشد.^۱

بنابراین به طور خلاصه، دو عنصر اصلی جهت تحقق خیانت جنگی لازم است: اول قصد خیانت و دوم سوء استفاده از حسن نیت دشمن در ایجاد صدمه به او.^۲ یعنی عملی که نسبت به وضعیت‌های مورد حمایت حقوق بشر دوستانه جلب اعتماد می‌کند، عمداً به منظور اغوای دشمن بکار رود. سوء نیت ویژگی برجسته‌ی خیانت است، یعنی نیت خاص به سوء استفاده از اعتماد دشمن در وضعیتی که حقوق بشر دوستانه مورد حمایت قرار گرفته است.

همچنین می‌بینیم دامنه‌ی جنایات جنگی ناشی از عمل خائنانه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی محدودتر از ممنوعیت خیانت در پروتکل اول است، زیرا دستگیری خائنانه‌ی افراد دشمن که در ماده- ۳۷ پروتکل ممنوع شده است، در فهرست جنایات جنگی قرار نگرفته است.

بند دوم: مصادیق خیانت جنگی

پروتکل اول در ماده‌ی ۳۷، به جهات فواید نظری و عملی برخی از مصادیق خیانت جنگی را ذکر نموده است. در این بند، ضمن بررسی این مثال‌ها، اقداماتی از جمله سوء استفاده از علائم و نشانه‌های حمایت شده، سوء استفاده از پرچم، نشانه و لباس نظامی دشمن و همچنین سلاح‌های با تأخیر عمل کننده که می‌تواند مصداق خیانت جنگی باشد را بررسی می‌کنیم.

¹ Knut Dormann, Elements of war crime under the Rome Statute of International Criminal Court, Cambridge, 2005, p. 240.

² محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق مخاصمات مسلحانه، همان ص ۱۸۳.

الف) مصادیق مقرر در ماده‌ی ۳۷ پروتکل اول:

اولین سندی که تعریف خیانت جنگی را با ذکر مصادیق آن ارائه می‌دهد، پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ است. ماده‌ی ۳۷ پروتکل، بدون آن که قصد داشته باشند، خیانت را منحصر به موارد خاص ذکر شده بنماید، با زبانی تمثیلی، مثال‌های روشن و صریحی را ارائه داده است تا بتواند قدری از ابهام موضوع کاسته و از ایجاد وضعیت‌های اختلاف بر انگیز و مورد مناقشه پیشگیری نماید.

در واقع، ایده‌ی تصریح قاعده‌ی ممنوعیت خیانت به واسطه‌ی فهرستی از مثال‌ها، از همان ابتدای بحث هم به دلایل فنی و هم به دلایل عملی در کنفرانس تدوین پروتکل مطرح بود.^۱ از نقطه نظر عملی بدیهی است برشمردن وضعیت‌های ملموس و عینی وظیفه‌ی فرماندهان و رزمندگان را در اجرای قاعده تسهیل می‌کند. از نقطه نظر فنی هم باید توجه داشت، خیانت مفهومی گسترده و کلاسیک است که ارائه‌ی تعاریف متفاوت از آن، گاه تشخیص آن را با مشکل مواجه می‌سازد مثلاً در برخی قوانین داخلی، همچون مقررات لاهه، جایزه گذاشتن برای سر افراد خاصی از ارتش دشمن عملی خائنانه بر شمرده شد^۲، اما چنین عملی عناصر مورد نظر ماده‌ی ۳۷ را دارا نیست. بنابراین بیان مثال‌های عینی می‌تواند، یک عنصر کمکی در تعریف خیانت جنگی تلقی شده و درک بهتر آن را ممکن سازد.

هرچند تدوین‌کنندگان پروتکل اول، احصای انحصاری مصادیق خیانت را مد نظر نداشته‌اند، اما این ذکر تمثیلی می‌تواند در وضعیت‌های مجادله برانگیز راهنمای مؤثری باشد.

در طی مباحثه ممکن است وضعیت‌های متنوعی ایجاد شود که به نظر خائنانه و ناجوانمردانه بیاید، اما باید توجه داشت تمامی این وضعیت‌ها خیانت جنگی به مفهوم خاص پروتکل نخواهد بود، بلکه خیانت جنگی دارای عناصر مشخصی است که باید احراز گردند. در هر صورت ذکر مثال‌ها به جهت مزایای عملی و نظری آن حائز اهمیت ویژه است.

¹ Yers sandos, OP.Cit, p.434.

^۲ این مشکل می‌تواند به دلیل واژه‌پردازی متفاوت پروتکل از مقررات لاهه تشدید شود. (بنگرید به پاورقی ۲ ص ۳).

علاوه بر آن که این بیان تمثیلی ویژگی جامع ندارد، شایان ذکر است هر مثال باید با توجه به سیاق پاراگراف و نه به تنهایی سنجیده شود. به عنوان مثال حمله به رزمنده‌ی دشمن پس از تظاهر به ناتوانی به جهت جراحت و یا بیماری یک عمل خیانت‌آمیز به مفهوم ماده‌ی ۳۷ پروتکل اول است، اما تظاهر به ناتوانی به جهت جراحت به نیت ایجاد وقفه در حمله‌ی دشمن هر چند می‌تواند به مفهوم موسع عملی خائنانه تلقی شود، اما در مفهوم خاص این ماده خیانت جنگی نیست^۱، زیرا آنچه خیانت جنگی در ماده‌ی ۳۷ پروتکل اول تعریف شده و به عنوان نقض فاحش حقوق بشر دوستانه و جنایت جنگی شناخته شده است، به نیت حمله به دشمن ارتکاب می‌یابد و نه صرف دفاع از خود یا دفع حملات دشمن.

حال فرض کنید فردی به جهت نشان دادن تمایل خود به تسلیم خود را به ناتوانی یا معلولیت می‌زند، چنین فردی نه تنها مرتکب عملی خائنانه نشده، حتی هیچ یک از قواعد حقوق بشر دوستانه را نقض نکرده است. عمل او صرفاً تدبیری است که جهت آشکار ساختن میلش به انصراف از نبرد اندیشیده است.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ فهرستی مثالی را به کنفرانس تدوین پروتکل تقدیم نموده بود، که البته کنفرانس تغییراتی در آن داد. چندین کار گروه تشکیل شد تا روی مصادیق بحث برانگیز خیانت در جنگ مطالعه کنند. به هر صورت موافقت شد، ماده‌ی ۳۷ باید به فهرست کوتاهی از مثال‌های مبرهن محدود گردد و موارد مورد مناقشه^۱ که محل تردید و مورد اختلاف شرکت کنندگان بوده‌اند کنار نهاده شود.^۲

این فهرست به ذکر ۴ نمونه از خیانت بسنده کرده است، که به شرح ذیل می‌باشد:

(۱) تظاهر به قصد مذاکره یا تظاهر به تسلیم با پرچم سفید:

پرچم آتش بس موقت نشان تعلیق مخاصمه در جریان نبرد برای مدت زمان مشخص است. این پرچم یک پرچم سفید است که توسط فرماندهان محلی نیروهای متخاصم جهت نشان دادن تمایل به مذاکره

¹ Ibid,p433.

². Ibid,p436.

در مورد آتش بس موقت بلند می‌شود. این پرچم همچنین می‌تواند قصد تسلیم یک رزمنده و خارج شدن او را از وضعیت نبرد نشان دهد. موفقیت این نهاد بستگی به حسن نیت و عدم سوء استفاده از آن دارد.^۱

مطابق با ماده (f)(۳) ۸۵ پروتکل، استفاده‌ی خائنانه از پرچم سفید اگر موجب مرگ یا آسیب شدید به رزمنده دشمن گردد نقض فاحش پروتکل تلقی می‌گردد. استفاده‌ی خائنانه از این پرچم در ماده‌ی (f) ۲۳ مقررات لاهه نیز ممنوع شده بود.

هرچند ماده‌ی ۸۵ پروتکل تنها سوء استفاده‌ای را که منجر به مرگ یا آسیب شدید گردد، نقض فاحش دانست، اما بدیهی است بنا بر سیاق ماده‌ی ۳۷ دستگیری خائنانه‌ی دشمن به این طریق نیز نقض پروتکل و ممنوع است.

همچنین نماینده یک طرف که تحت عنوان مذاکره به طرف دیگر فرستاده می‌شود، اگر از حمایت‌های اعطایی سوء استفاده کرده و مبادرت به کسب اطلاعات، جاسوسی و تحریک سربازان دشمن و... نماید، هرچند عمل او طبق این ماده ممنوع نیست اما طرف مخاصمه می‌تواند او را بازداشت و محاکمه کند. البته حتی بدون توسل به خیانت نیز یک فرستاده ممکن است به اطلاعات استراتژیکی دست یابد که حائز اهمیت نظامی است، در این صورت هم طرف مخاصمه بنا به ضرورت نظامی می‌تواند او را موقتاً بازداشت نماید.^۲

به طور کلی، رزمندگان هرگز نمی‌توانند از شرایط حاکم بر روابط غیرمخاصمه‌ای خود سوء استفاده کنند. این قاعده اقدام به شروع و ادامه‌ی مذاکرات با دشمن، تسلیم و شرایطی که در ماده‌ی ۴۱ پروتکل تعریف شده (حمایت از رزمندگان خارج از وضعیت نبرد) را تحت پوشش قرار می‌دهد.

(۲) تظاهر به عدم امکان مبارزه به جهت بیماری یا جراحت:

¹.Knut Ipsen,perfidy,in:Bern Hardt(ed),encyclopedia of public international law(instalment 4(1981)p.130-133).

².Elmar Raveh ,espionage in: Bern Hardt(ed), OP.Cit,p171-173.

شایسته است به کنوانسیون‌های اول و دوم ژنو اشاره کنیم، که در میدان نبرد اعمال می‌شوند و تعهد احترام و حمایت از زخمیان، بیماران و کشتی‌شکستگان را در هر شرایط به طرفین منخاصمه تحمیل می‌کنند (ماده ی ۱۲)^۱.

به علاوه باید به ماده ی ۴۱ پروتکل (حمایت از رزمندگانی که از وضعیت نبرد خارج شده‌اند) هم اشاره‌ای داشت. این مقررات هر نوع حمله به شخصی که در چنین وضعیتی قرار گرفته را ممنوع می‌کنند.

تاریخ حقوق ژنو نشان می‌دهد، بیماران و مجروحان ارتش‌های زمینی و دریایی متخاصمان اولین مخاطب‌های حمایت‌های بشر دوستانه بوده‌اند. فلسفه‌ی حمایت‌های خاص مقرر برای کادر و تجهیزات بهداری، درمانی نیز ارائه‌ی مراقبت به چنین افرادیست.^۲

حمله‌ی عمدی به شخص مجروح یا بیمار که قابلیت مبارزه ندارد، اگر موجبات مرگ یا صدمه‌ی شدید به او گردد، تحت ماده‌ی ۸۵ پاراگراف (e) ۳ پروتکل نقض فاحش حقوق بشر دوستانه است. قرینه‌ی این حمایت، تظاهر به وضعیت خارج از مبارزه می‌باشد، که بنابراین مصداق خیانت خواهد بود. بند (b) پاراگراف اول ماده‌ی ۳۷، برآنست تکمله‌ای بر حمایت از رزمندگانی باشد که از قابلیت نبرد خارج شده‌اند.

تحت شرایط مشابه استفاده‌ی خائنانه از علامت مشخصه‌ی صلیب سرخ، هلال احمر و دیگر علائم حمایتی به رسمیت شناخته شده، تحت پاراگراف (f) ۳ ماده‌ی ۸۵ نقض فاحش محسوب می‌گردد. استفاده‌ی خائنانه همواره از اعتماد دشمن در جهت حمله به او سوء استفاده می‌کند. بنابراین برای

^۱ کنوانسیون اول ژنو: در خصوص بهبود وضعیت مجروحان و بیماران نیروی مسلح در جنگ زمینی کنوانسیون دوم ژنو: در خصوص بهبود وضعیت مجروحان و کشتی‌شکستگان در دریا، مورخ ۱۹۴۹ که جزو کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بشر دوستانه ژنو می‌باشند که به تصویب جهانی رسیده‌اند.

^۲ Fredric De Mulinen, Handbook of the law of war for armed forces, ICRC, 1987, p27.

مثال تظاهر به مرگ، صرفاً برای حفظ حیات خود یا دیگری ممنوع نخواهد بود، در حالی که تظاهر به مرگ جهت کشتن سرباز دشمن هنگامی که به او پشت می‌کند، خیانت ممنوعه جنگی است.^۱

قابل توجه است که اگر رزمنده بیمار یا زخمی درخواست کمک بهداری نماید و چنین کمکی را دریافت دارد، اگر قصد داشته باشد بلافاصله پس از آن مبارزه را از سر گیرد، مرتکب خیانت جنگی نشده است. پرسنل بهداری نیز که کمک‌های لازم را به او ارائه داده‌اند عملی خلاف حقوق بشر دوستانه مرتکب نشده‌اند، زیرا چنین فردی تظاهر به بیماری یا جراحت نکرده است، بلکه واقعاً در چنین وضعیتی قرار داشته است. اما چنین فردی به محض آن که شروع به اقدام خصمانه نمود، از حمایت‌های خاص مجروحان و بیماران محروم می‌گردد و بنابراین می‌تواند مورد حمله قرار بگیرد.^۲

۳) تظاهر به وضعیت "غیر رزمنده و غیر نظامی":

عمده‌ی بحث‌های کنفرانس تدوین پروتکل در تهیه فهرست تمثیلی خیانت در مورد این بند بود، زیرا وقتی بحث تظاهر به وضعیت غیر نظامی مطرح می‌گردد، خواه ناخواه مبحث نیروهای چریک و نا-منظم نیز مطرح می‌شود. گنجاندن این مثال کمیته‌ی سوم کنفرانس تدوین پروتکل را با مشکل جدی مواجه کرد. از یک طرف کنار گذاشتن این بند، یعنی تسامح و تساهل بر سر اساسی‌ترین اصل حقوق بشر دوستانه، یعنی تفکیک نظامیان و غیر نظامیان.^۳

از طرف دیگر، پذیرش آن بدون محدودیت، یعنی تخریب قاعده‌ای که در ماده ی ۴۴ مطمح نظر قرار گرفته است (مربوط به اسرای جنگ‌های زمینی)، که در برخی شرایط اجازه می‌دهد یک رزمنده‌ی چریک که نمی‌تواند خود را از غیرنظامیان متمایز کند، اگر سلاح خود را آشکارا حمل کند وضعیت رزمنده را دارا می‌باشد.^۴

¹ Yves Sandos, OP.Cit,p438.

² .Ibid.

³ .Ibid,p488.

⁴ .Ibid.

در اینجا تاحدودی بین این دو قاعده چالش ایجاد می‌شود، از یک طرف اهمیت اصل تفکیک مطرح است و از طرف دیگر حمایت از رزمندگان ارتش غیر منظم و نیروهای چریک.

هرچند بدیهی است که بنابر تعریف خیانت جنگی در ماده‌ی ۳۷، صرفاً تظاهر به وضعیت غیررزمنده یا پوشیدن لباس غیر نظامیان، تحقق خیانت را در پی نخواهد داشت و لازم است قصد گمراه کردن دشمن و سوء استفاده از اعتماد او ثابت شود، اما این برای کاهش بدگمانی‌های آنهایی که منافع حقوقی چریک‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهند، کافی نیست.^۱

اگر بند ۳ با یک شرط حمایتی مقید نگردد، در این صورت رزمندگان مدنظر ماده‌ی ۴۴، در صورت پوشیدن لباس غیر نظامیان، به آسانی مشمول ماده‌ی ۳۷ و متهم به خیانت جنگی می‌گردند. از این رو تصمیم بر این شد، شرطی حمایتی گنجانده شود، البته نه در ماده‌ی ۳۷ بلکه در ماده‌ی ۴۴ پاراگراف ۳ که بیان می‌دارد: "اعمالی که با شرایط این پاراگراف مطابقت دارند، عمل خائنانه به مفهوم پاراگراف (C) ۱ ماده‌ی ۳۷ نمی‌باشند."

بنابراین، این تمثیل از مصادیق خیانت جنگی در جای خود حفظ شد، اما شرطی بر آن در ماده‌ی ۴۴ مقرر شد.^۲ رزمنده‌ای که در یک حمله یا عملیات نظامی مقدماتی یک حمله فعالیت می‌کند، می‌تواند به استتار توسل جوید و پشت موانع طبیعی یا مصنوعی پنهان گردد، طوری که قابل رؤیت برای ارتش دشمن نباشد، اما نمی‌تواند میان جمعیت غیر نظامی هویت خود را پنهان کند یا تظاهر به وضعیت غیرنظامی کند. نکته‌ی اصلی که بند ۳ در صدد بیان آنست، همین مطلب می‌باشد.

وضعیت‌های خاصی وجود دارد که در ماده‌ی ۴۴ پاراگراف ۳، توصیف شده است، اما حاکی از اعمال دوگونه معیار متفاوت از هم نیست^۳، و در صورت احراز عناصر خیانت، حتی در مورد رزمندگان چریک نیز به همین ترتیب اجرا می‌گردد.

¹ .Ibid,p488.

² .Ibid.

³ .Ibid.